

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، کبه ریاست جبهه اسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، نمایندگان تجاوز رژیم مزدور پشی عراق به ایران را محکوم ساختند و آن را پوششی برای اهداف مستقیم آمریکا در ایران قلمداد کردند.

در آغاز این جلسه، جبهه اسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن تقدیر از درمورد وضع کنونی کشور، اظهار داشت: «ماز دیروز من به ستاد رهبری عملیات جنگ در غرب کشور رفته، در آنجا شاهد تلاش صادقانه و فداکاری برادران ارتشی و سروانی نظامی، برادران پاسدار، برادران کمیته و ژاندارمری و شهربانی بودم»

رئیس مجلس افزود: «برای ما و هر مسلمان وضعی که پیش آمده باعث تأسف است، زیرا ما انتظار داشتیم که این امکانات نظامی ما عراق در جبهه علیه سوسیالیسم، برای کسب و برای نجات منطقه و علیه تجاوز غرب در فلسطین بکار رود، متأسفانه صدام حسین، خائن و بیسه تمیزی امام، صدام دیوانه، تکذبات و مرتکب جانی شد»

بعثت با بیعت با حمله هواپیمای ایران به فرودگاههای اردن برای نجات از حمله هوایی آمریکا از اسرائیل با مقامات اردنی تماس گرفته و از آنها خواسته است که این هواپیماها در آنجا محفوظ بمانند تا در قلمرو حمله ایران قرار نگیرند. سفیر آمریکا همچنین از اسرائیل هم خواسته است که این هواپیماها از ترس آن کشور هم ممنوع بمانند.

جبهه اسلام رفسنجانی گفت: «خائنانی اسرائیل عراقی فعلا در حال بازجویی هستند که نتیجه آن بعد از اطلاع ملت خواهد رسید، البته ما هیچوقت از دولت عراق انتظار نداریم که در برابر اسرائیل بجنند و همیشه به مانند منافقین دیگری برای نجات دادن خود و برای اسرائیل شمارهای چهره‌ها طرح کرده است، به اسم اینکه ما مذاکره می‌کنیم و دیگران مذاکره می‌کنند، نیروهای خود و چند کشور دیگر را فایده نکرده است، ولی از اینکه همان نیروها در یکسار با ایران نابود شوند، متأسف نیست، ولی ملت عراق باید بداند که ما چنین چیزی را نمی‌خواهیم، این

نیاز است که ما محصل شده است و اینک چند نقطه در جنوب بغداد تحت بمباران هواپیمای ایران قرار گرفته‌اند، لذا تذکراتی که لازم است از نیرویون مجلس داده شود یکی این است: داخل کشور نیروهای ضدانقلاب مسکن است بخوانند از وضع موجود سوء استفاده نکنند، شایع کرده‌اند که کردها دیروز شایع کرده بودند که پروازاتی داخلی است تا مردم را به پادگانها بکشاند، عده‌ای مانپنیان را بیرون کشیدند، برای ترساندن مردم هدف بترین تشکیل داده‌اند، در مقابل فرسنگها صاف غنای درست کرده‌اند و در همین صفا به مردم دروغ می‌گویند، من تأکید می‌کنم که این کارها و بی‌توجهی نیاز خریدن خود افعال ضدانقلابی و کارهای خلیج چیت صلحت انقلاب هستند، اولاً مردم باید مطمئن باشند که عراق در این وضعی نیست که بتواند ما را در شرایط پیکار، لاینا و برادران شما در آنجا می‌کشند، احتیاج بترتیب و سایر کارها عمل ضدانقلابی است، مردم در

نقاط مختلف کشور مشتاقانه آماده سخن به جبهه هستند، در این راه، در تهران، مردم خواستار سخن شدن هستند، آفتقت چند ضدانقلابی، محترک صف درست می‌کنند و در برابر انقلاب می‌ایستند، مردم خود باید جواب این افراد بدهند»

پس از پایان مجلس رئیس مجلس، جبهه اسلام خاتمه، نماینده مجلس و عضو شورای اطلاع، طلاع، پشت میگردون قرار گرفت و ضمن سخنانی درباره حمله هوایی عراق به ایران اظهار داشت:

«ما صبح سه فروردین یک گروهی سرنگون شده‌است، یکی از این میگه کسب حمله به خاک را داشته است و دیگری در ساعت ۲ صبح به شهر اهواز، پایگاه همدان و فرود سوم به فرودگاه سهند حمله کرده‌ود، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از صبح در حدود ۱۵ مرتبه بمباران در عراق را کرده‌است، از جمله فرودگاه بغداد و شهر موصل، تعداد هواپیمای ایرانی ۱۶۰ فروتن بوده است و هواپیمای تقریباً همگی به سلامت برگشته‌اند و از چند فرودگاه اطلاعاتی در دست نیست، که تعداد آنها زیاد نیست، حملات زمینی از دیشب ادامه دارد و هیچ نیروهای خودی تسلیم و سازش را بازیس گرفته و آنها را عقب رانند، ۵ کیم ممالج آباد را کوبیده، ولی خسارت صعب نیست، ایست آرام است، دیروز (دیروز) مجموعاً ده میگ عراقی سرنگون شد و یک فائزتم ما در آن تصادف آسیب دید و برنگشت، مجموعاً از نظر زمینی وضع خوب و از نظر هوایی وضع عالی است، ضمناً ۴ فروتن لارچه موصل کمانداز عراق غرق شدند»

پس از گزارش جبهه اسلام خاتمه‌ای، چند تن از نمایندگان در همین زمینه سخن گفتند، لغز اولین چهارزی در این مورد اظهار داشت:

«سخنی دارم با کوه خوارانم دیر کل سازمان ملل متحد که گفته است: ایران آتشبس بدهد، ما از وی سؤال می‌کنیم: در طی این یک سال و نیم که عراق به ما ضربات زده است، ایشان سخن نگفته‌اند، والان که قدرت ما را احساس می‌کنند، پیشنهاد آتشبس می‌دهند، بنابراین ما به ایشان اعلام می‌کنیم که ما هرگز آتشبس نمی‌دهیم و ارتش نیرومند و سیاه پاسداران ما و نیروی بسیج مستضعفین آماده شرکت در این نبرد هستند، قوی بی‌سریب نیروها را بر عراق متجاوز وارد کنند، ضمناً آقای کوردت‌الدین باید یک یادداشتی هم به دولت آمریکا بدهد، چون این آمریکا است که دارد زیر پوشش دولت عراق مستقیماً ما می‌کشد، وسعت حمله عراق، به دستور آمریکا به ایران، بدان جهت است که وضع

در جلسه علنی دیروز مجلس:

نیروهای عراقی پیشتر اولان ارتش آمریکا هستند

● امریکازیر پوشش عراق مستقیماً با ما می‌کند

● حمله صدام حسین به ایران مستقیماً به نفع امریکادر خدمت

اسرائیل است

● ضد انقلاب با ایجاد صف‌های مختلف قصد سوء استفاده از

شرايط را دارد

● دنیا باید بداند که امریکای جانیکار چه کرده است

● عراقی باید به ایران غرمت جنگی بدهد

● امریکایکمی تواند تعهد بدهد که کاری نکند، زیر ماهیتش

تجاوزگری و خونخواری است

اربابی بوجود آورد و ما را در آن جو مجبور کند که به نفع او دربار هر گوناگون تصمیم بگیریم»

وی آنگاه پیشنهاد کرد که مجلس بررسی وضعی گروگانها را مسکوت بگذارد تا آمریکا بداند که مجلس شورای اسلامی هیچگاه تحت تأثیر سانس ارباب قرار نمی‌گیرد، در اینجمله‌ای از نمایندگان به مسکوت گذاشتن وضع گروگانها اعتراض کردند، که مجازی توضیح داد: «مشکله مسکوت گذاشتن به عنوان حل کردن بوده، به معنای اینکه محاکمه نشوند، ما باید جاسوسان آمریکایی را به عنوان خود دولت متجاوز آمریکا مسکوت محاکمه قرار بدهیم، تا دنیا بداند که آمریکا چه کرده است. آمریکا دولت جانیکاری است که طی ۲۱ ساله ۲۱۹ کورتا در دنیا راه انداخته است، س ما باید دنیا را به جانیات آمریکا آگاه کنیم»

وی افزود: «سخنی هم دارم با دنیا، چرا دنیا ساکت نشسته است که به یک کشور این چنین حمله شده باشد ملتش که قیام کرد و هزاران شهرویت و درد را از استعمارگرش طی ۴۰۰ سال تحمل شده و اکنون برخاسته است، چرا باید مورد تجاوز قرار گیرد و سازمان ملل سخن نگویند و جلسه شورای امنیت تشکیل نشود»

حتی گروگانها نماینده دیگر مجلس ضمن سخنانی از جمله اظهار داشت: «تمام نمایندگان ملت در مجلس حاضرند به مرز بیرون و با ضدانقلاب بجنند، ضدانقلاب مطمئن باشد که شکست با اوست»

خاتم انظم طالقانی سخنان بعدی، از جمله گفت: «بیشتر کسانی که از عراق به ما پنهانده شده‌اند، می‌گویند عراق بیشتر اطلاعات را از رادیو و تلویزیون ما می‌گیرد»

وی افزود: «من نسبت به ارتش یک احساس بدبینی داشتم، ولی در غرب دیدم که آنها با شور و شوق و با اعتقاد و ایمان، که فکر نمی‌کردم در وجودشان باشد، آماده مبارزه بودند»

در اینجا و پیش از آنکه سخنان بعدی صحبت کند، اعلام شد که سه میگ دیگر عراقی در نزول افتاده‌است، آنگاه تلگراسی که عده‌ای از نمایندگان خطاب به رئیس انقلاب، امام خمینی، تهیه کرده بودند، قرائت شد، در این تلگراسی ضمن تبریک به مناسبت مبارزه علیه ارتش مجبور جمهوری اسلامی ایران و سیاه پاسداران و سایر نیروهای انقلابی، اعلام شد: «معتزاً و به عنوان فرمانده کل قوا تشکر به عمل آمده است»

هوسوی پیچوری، نماینده تهران، سخنان بعدی بود، وی از جمله گفت: «ملت قهرمان ایران میدانند که ما وقتی تصمیم گرفتیم نظام استعاضی را ویران کنیم و سیاه آنان را برچینیم، با امریالیسم، بوزمه امریالیسم آمریکا درگیر خواهیم شد، این درگیری ماحولی داشته است، من امروز از این مرحله نازم، که آغاز مبارزات مسلحانه ما علیه امریالیسم است، صحبت می‌کنم، امروز آمریکا بعنوان گارد محافظ امریالیسم غرب، بیشتر اولان خود را برای آزودن جنگی ما بسیج کرده است، با آن نیروهای مزدور سیدام حسین، بنابراین بر ماست که آنچنان بچنگیم که با آمریکا طرف هستیم، و این جنگ را مرحله نخستین آن بدانیم و خود را آماده کنیم برای جنگی بزرگتر، وسیعتر و طولانی‌تر»

وی افزود: «لازمست بگویم که امریالیسم غرب همیشه برای برهم زدن وحدت ملت‌های به‌صفت کشیده شده، استخوان‌های لای زخم می‌گذارد، وسیله آنان را هاید و گروهک‌هایی که عامل تفرقه ستند، حتی اگر چه با تمارهای فریبنده چنگ و گریب و حزب پش عراق - از آن دست است در برابر حرکت ضد امریالیستی ما، حزب پش عراق بوجود آمد و مخصوصاً خارواوه انگلیسی صفت کرتی، که سابقه تاریخی در توگری انگلیس دارند، این خارواوه کثیف زهری این حزب را صرفاً برای ایجاد سرقه بین برادران مسلمان برعهده گرفت و امروز ارباب چندینی برای خود گردیده است، که آن امریکاست»

وی سپس تأکید کرد که همیشه پیوند استراتژیک بین آمریکا و انگلیس وجود داشته است. هوسوی پیچوری آنگاه پیشنهاد کرد که برای تقویت بسیج مستضعفین، هر چند ضرورتی بوده آن در حد متولی هوسوی گردید و سازماندهی جدیدی شود. او افزود: «در تمام محلات باید پایگاه‌های ضد هوایی ساخته



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۰

باز آله کارنامه شورای انقلاب: صحت نظریات حزب توده ایران درباره ترکیب طبقاتی شورای انقلاب و دولت موقت ثابت شد

با پایان رسمی کار شورای انقلاب و اراضه کارنامه این شورا، کمیته‌ای از پیروزی انقلاب تشکیل داد، یکبار دیگر صحت نظریات حزب توده ایران ثابت شد.

حزب توده ایران در بیانیه‌های خود، از آغاز تشکیل شورای انقلاب تا آخرین روز در آن عضویت داشت، نشان داد که حزب توده ایران از همان آغاز پیروزی انقلاب، ماهیت طبقاتی دولت موقت و شورای انقلاب را به درستی تشخیص داده بود. اکنون کاندیدی از روستاها برای عضویت در شورای انقلاب، از قبیل امیرانظام، در آن خود را جای می‌دادند. و ترانل هویز که می‌پوشید با تشکیل این دولت خطرناک آمریکا را تهدید نمی‌کند، از ایران رفت. انقلاب شکوهمند همین، به منتهی، حفظ ارزش و استقلال آریا می‌ریخته لطمه جدی زد، و لسی دولت پیروزی لیبرال موفق شد که از تلاشی دستگاه دولتی جلوگیری کند.

بعاد پیروزی انقلاب، اکثریت شورای انقلاب موافق گفته‌های حزب توده ایران، از روستاها تشکیل می‌شد که در مجموع نماینده‌های انقلابی بود و در کل در خط امام خمینی حرکت می‌کرد. جناح دیگر شورای انقلاب را لیبرال‌ها تشکیل می‌دادند. همان‌ها که باز شمرده می‌شود امروز روشن شده است تا یکی دو ماه اخیر به پیروی روشن نبود، تا چهره‌ها به منتهی‌های اول بعاد پیروزی انقلاب.

رأی‌های مسلمان معتقدی بود، ولی از پایگاه سازشکاران و تسلیم طلبانه پیروزی لیبرال حرکت می‌کرد.

بعاد تشکیل دولت مهندس بازرگان، که در مجموع نماینده پیروزی لیبرال بود و جاسوسان آمریکا هم، از قبیل امیرانظام، در آن خود را جای می‌دادند. و ترانل هویز که می‌پوشید با تشکیل این دولت خطرناک آمریکا را تهدید نمی‌کند، از ایران رفت. انقلاب شکوهمند همین، به منتهی، حفظ ارزش و استقلال آریا می‌ریخته لطمه جدی زد، و لسی دولت پیروزی لیبرال موفق شد که از تلاشی دستگاه دولتی جلوگیری کند.

بعاد پیروزی انقلاب، اکثریت شورای انقلاب موافق گفته‌های حزب توده ایران، از روستاها تشکیل می‌شد که در مجموع نماینده‌های انقلابی بود و در کل در خط امام خمینی حرکت می‌کرد. جناح دیگر شورای انقلاب را لیبرال‌ها تشکیل می‌دادند. همان‌ها که باز شمرده می‌شود امروز روشن شده است تا یکی دو ماه اخیر به پیروی روشن نبود، تا چهره‌ها به منتهی‌های اول بعاد پیروزی انقلاب.

افشای پیروزی لیبرال

در حالی که چپ‌ها با انجمن هیئت‌ها که را یکبار چپ‌ها دانستند و علیه آن توطئه را آغاز می‌کردند، برخی از مدعیان دواته "ارکسیم" (نیمس خلاقی) سازمان چریک‌های فدائیان (سازمان چریک‌های فدائیان) در تهران و زنده و خواستار تبعید قدرت در دست لیبرال‌ها شدند.

حزب توده ایران با تحلیل و شناخت دقیق سیاسی که در هر یک از دو جناح اعلام و در پیان کردن آن اصرار می‌کردند، از همان اولین شماره علمسی

از سوی دیگر شورای انقلاب، که موقوف گفته و چپ‌ها با انجمن هیئت‌ها که را یکبار چپ‌ها دانستند و علیه آن توطئه را آغاز می‌کردند، برخی از مدعیان دواته "ارکسیم" (نیمس خلاقی) سازمان چریک‌های فدائیان (سازمان چریک‌های فدائیان) در تهران و زنده و خواستار تبعید قدرت در دست لیبرال‌ها شدند.

حزب توده ایران با تحلیل و شناخت دقیق سیاسی که در هر یک از دو جناح اعلام و در پیان کردن آن اصرار می‌کردند، از همان اولین شماره علمسی

روزنامه مردم، به روشنی تمام به افشای سیاست پیروزی لیبرال و دفاع از مواضع مترقی شورای انقلاب نسبت به دولت موقت پرداخت. روزنامه مردم در اولین شماره علمی خود در ایران - ۲۸ آسند ۱۳۵۹ - در مقاله مفصلی تحت عنوان "مآفل انقلاب" ایران - نظری بهیام آقای مهندس بازرگان، سیاست پیروزی لیبرال را افشا کرد و نوشت: "سنگه بر سر تفاوت عظیمی است که میان آقای مهندس بازرگان و توده مردم ایران بر سر درک ماهیت و وظائف دولت موقت انقلابی وجود دارد".

مقاله سپس به قدرت دوگانه اشاره کرده، می‌نویسد: "در محتوی و نه در شکل، حق بجانب آیت‌الله خمینی است و نه مهندس بازرگان".

مقاله آنگاه به افشای زاویه دید طبقاتی مهندس بازرگان می‌پردازد.

در شماره پنجم مردم - ۲۲ آسوردین ۱۳۵۸ - افشای ادامه می‌یابد:

"اندیشه اصلی پیام ادبوی نخست وزیر، که مانند خط سحرش از خلال تمام بیانات طولانی او می‌گذشت، این بود که بقایای رژیم سابق را نباید "کوبید".

در این روزها، دیگر تفاوت دو سیاست آشکار و آشکارتر می‌شد. دولت پیروزی لیبرال، تمام قدرت حاکم را طلب می‌کرد و در حالی که زیر سرق "آزادی" سنگر گرفته بود، حفظ ماشین دولتی رژیم گذشته، بازگرداندن سرمایه داران و آشتی با بریا - لیس را تبلیغ نمود. همه مدعیان دواته - "ارکسیم" - نیز همین خط سحر "آزادی" را در این روزها زیر سرق "آزادی" بردند و در همان روزنامه‌های ضد انقلابی را بر این پیمان می‌کردند.

در آن شرایط، هر چه با هم حزب توده ایران بود که با مراعات تمام به میدان آمد و برای اولین بار اختلاف دو خط سحر، در حاکمیت ایران در برافشای این عنوان "لیبرالیسم و دموکراسی" در مرحله کنونی انقلاب ایران آریایی و تحلیل کرد. حزب توده ایران در میان چندال گوشه خرابی مافوق - لیبرالیسم انقلابی دفاع می‌کند.

خوانندگان از مقاله یادشده و همچنین سرمقاله تحت عنوان "جبهه آشکار می‌شود" در روز ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، رجوع می‌دهیم.

از این پس آن چه در واقع سیاست ایران گذشت، صحت نظریات حزب توده ایران را هر روز بیشتر از پیش ثابت کرد.

رسمی اعلام کرده، شورای انقلاب و دولت موقت در زمینه‌های اساسی، از جمله نوسازی ماشین دولتی، سیاست خارجی، تشکیلاتی و اقتصادی، با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.

دووجه پیروزی لیبرال و دموکراسی می‌توان گفت که - پیروزی لیبرال

لیبرال وقتی دید در مقابل انقلاب قلاب به مقاومت نیست و دولت تاجار به مقاومت است، کوشید تا مومتمیت خود را در شورای انقلاب مستحکم کند. به همین خاطر به موافقت داشت که حزب توده ایران به مهندس بازرگان پیشنهاد داد دولت موقت و شورای انقلاب را کرده و باین ترتیب غیر ارادتی، از حمله خود مهندس بازرگان، به شورای انقلاب آفاده شدند و در نتیجه پیروزی لیبرال در شورای انقلاب موقت مستحکم تر نسبت به گذشته به دست آورد.

سرانجام اشغال لانه جاسوسی، که گفته شد، حزب توده ایران به "مقاومتی در مقابل سیاست‌های خارجی دولت موقت" بود، سبب شد که دولتست پیروزی لیبرال استعفا کند.

بعاد استعفا دولت موقت و سپردن ادار امور به شورای انقلاب، پیروزی لیبرال در این شورا به تلاش خود برای تریز کردن انقلاب ادامه داد. بر سر کارنامه شورای انقلاب نشان می‌دهد که اکثریت طبقه مومتمت و سیاست‌های مترقی شورای انقلاب، چه در زمینه داخلی و چه در سیاست خارجی، به پیش از افشای خود، با دولت موقت اتحاد شده است. در حین انقلابی در شورای انقلاب، این شورا مومتمت و دموکراسی به انقلاب ایران شده است.

شایان ذکر است که حزب توده ایران در همین پشتیبانی از جناح مترقی شورای انقلاب، به جناح مترقی تمامیت انقلابی شورای انقلاب، به جناح مترقی انقلابی (اکتبریت) در شورای انقلاب نیز برخاسته است. اتحاد حزب توده ایران به جناح انقلابی (اکتبریت) در شورای انقلاب این دو وجه است که، اولاً سیاست‌های سازشکاران و تسلیم طلبانه جناح لیبرال را بهیچ وجه برای انکار عمومی مردم ایران فاش نکرد. ثانیاً در برابر سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه جناح لیبرال بهیچ وجه موافقت و توافق نداشت. ثالثاً در برابر سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه این جناح با اتحاد موافقت نداشت. در این شرایط، هر چه با هم حزب توده ایران بود که با مراعات تمام به میدان آمد و برای اولین بار اختلاف دو خط سحر، در حاکمیت ایران در برافشای این عنوان "لیبرالیسم و دموکراسی" در مرحله کنونی انقلاب ایران آریایی و تحلیل کرد. حزب توده ایران در میان چندال گوشه خرابی مافوق - لیبرالیسم انقلابی دفاع می‌کند.

خوانندگان از مقاله یادشده و همچنین سرمقاله تحت عنوان "جبهه آشکار می‌شود" در روز ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، رجوع می‌دهیم.

از این پس آن چه در واقع سیاست ایران گذشت، صحت نظریات حزب توده ایران را هر روز بیشتر از پیش ثابت کرد.

رسمی اعلام کرده، شورای انقلاب و دولت موقت در زمینه‌های اساسی، از جمله نوسازی ماشین دولتی، سیاست خارجی، تشکیلاتی و اقتصادی، با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.

دووجه پیروزی لیبرال و دموکراسی می‌توان گفت که - پیروزی لیبرال

لیبرال وقتی دید در مقابل انقلاب قلاب به مقاومت نیست و دولت تاجار به مقاومت است، کوشید تا مومتمیت خود را در شورای انقلاب مستحکم کند. به همین خاطر به موافقت داشت که حزب توده ایران به مهندس بازرگان پیشنهاد داد دولت موقت و شورای انقلاب را کرده و باین ترتیب غیر ارادتی، از حمله خود مهندس بازرگان، به شورای انقلاب آفاده شدند و در نتیجه پیروزی لیبرال در شورای انقلاب موقت مستحکم تر نسبت به گذشته به دست آورد.

سرانجام اشغال لانه جاسوسی، که گفته شد، حزب توده ایران به "مقاومتی در مقابل سیاست‌های خارجی دولت موقت" بود، سبب شد که دولتست پیروزی لیبرال استعفا کند.

بعاد استعفا دولت موقت و سپردن ادار امور به شورای انقلاب، پیروزی لیبرال در این شورا به تلاش خود برای تریز کردن انقلاب ادامه داد. بر سر کارنامه شورای انقلاب نشان می‌دهد که اکثریت طبقه مومتمت و سیاست‌های مترقی شورای انقلاب، چه در زمینه داخلی و چه در سیاست خارجی، به پیش از افشای خود، با دولت موقت اتحاد شده است. در حین انقلابی در شورای انقلاب، این شورا مومتمت و دموکراسی به انقلاب ایران شده است.

شایان ذکر است که حزب توده ایران در همین پشتیبانی از جناح مترقی شورای انقلاب، به جناح مترقی تمامیت انقلابی شورای انقلاب، به جناح مترقی انقلابی (اکتبریت) در شورای انقلاب نیز برخاسته است. اتحاد حزب توده ایران به جناح انقلابی (اکتبریت) در شورای انقلاب این دو وجه است که، اولاً سیاست‌های سازشکاران و تسلیم طلبانه جناح لیبرال را بهیچ وجه برای انکار عمومی مردم ایران فاش نکرد. ثانیاً در برابر سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه جناح لیبرال بهیچ وجه موافقت و توافق نداشت. ثالثاً در برابر سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه این جناح با اتحاد موافقت نداشت. در این شرایط، هر چه با هم حزب توده ایران بود که با مراعات تمام به میدان آمد و برای اولین بار اختلاف دو خط سحر، در حاکمیت ایران در برافشای این عنوان "لیبرالیسم و دموکراسی" در مرحله کنونی انقلاب ایران آریایی و تحلیل کرد. حزب توده ایران در میان چندال گوشه خرابی مافوق - لیبرالیسم انقلابی دفاع می‌کند.

خوانندگان از مقاله یادشده و همچنین سرمقاله تحت عنوان "جبهه آشکار می‌شود" در روز ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، رجوع می‌دهیم.

از این پس آن چه در واقع سیاست ایران گذشت، صحت نظریات حزب توده ایران را هر روز بیشتر از پیش ثابت کرد.

رسمی اعلام کرده، شورای انقلاب و دولت موقت در زمینه‌های اساسی، از جمله نوسازی ماشین دولتی، سیاست خارجی، تشکیلاتی و اقتصادی، با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.

دووجه پیروزی لیبرال و دموکراسی می‌توان گفت که - پیروزی لیبرال

امیران نظام دیده‌ایم و سنجیده‌ایم. لیبرال‌ها و آن نسخه بدل‌های تازه‌ای که از تنها میدان آمده، در سیاست داخلی جا نماند. کوب و ویسی، مدافع سرما به‌دار، تکیه‌گاه فکرمومتمت و دردیست تا جایی دستیار و مدعیان امپریالیسم هستند. ما مظهر مبارزه افراطی هستیم. عناصر اولی فریب خورده در همه جا وجود دارند. ولی این مطلب، منظره و وضعی است که با یک گروه و زده سیاسی را عوض نمی‌کند.

اساسی، مومتمت و مضامین عمده سیاسی اجتماعی که تکیه بر آنها است و این مهمان خود است که گفته شد، این امردریتا ریخ معاصر ایران را از همه پیروزم شروع می‌نمود و جلوه‌ها می‌نمود و مکرر داشته است.

بهترین شیوه مبارزه با لیبرال‌ها، بازی با ظرف نیروهای که قدرت حاکم را اکنون در دست دارند، است که به آنها بهانه ندهند. اگر قرا ربا شد در هر جنبی یکبار آشکار متفرقه آزادی‌خواه بهیچ وجه به پیمان یک کشور بزرگ می‌پیوندد. ما با آنها پیمان می‌کنیم. هر چه با آنها مبارزه می‌کنیم، با ما آنها و گروه‌های سیاسی و جرایم و کتا به‌ها و کوشش‌های آنها، با شویت اشغال کنند، غارت کنند، به اشت با یکدیگر، آری این آب ریختن در آسیاب لیبرال‌ها نیست؟ چه تضمینی وجود دارد که این اشغالی متفرقه به دستورده انقلابی برای مومتمت توطئه قدا انقلاب زمینه‌ساز می‌شوند؟

با بدبیا رعایت اکید و دقیق اصول قانون اساسی در ره آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و با بدبیا دموکراسی و دموکراسی، آری این است، با بدبیا دموکراسی و آزادی را بست و در این امر قفلت تردید و تا خیر را جایز نماند.

اگر جمهوری اسلامی در اجراء استقلال، عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی یکدیگر باشد، میتوانند لیبرالیسم را در کالبدهای مختلف این شکست منوری محکوم سازد. میتوانند نظام محکمی بوجود آورده دفاع خود را در مقابل قدا انقلاب مستحکم بخند، و سرانجام میتوانند پشتیبانی مردم و نیروهای انقلابی را برای امرای زندگی بیش از پیش جلب کنند.

واژه آزادی، در دست لیبرال‌ها افزاری است برای بازگشت بگذشته

بهترین راه مبارزه با لیبرالیسم، اجراء پی گیر قانون اساسی جمهوری اسلامی از جمله در زمینه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی است

این نقش فرشی را بازی میکنند. سراب آزادی درست میکنند، تا جا نماند. استبداد گفته شود.

در خارج از کشور، تا پوربختیا و که از ساله کهن کار آن امپریالیسم است، از مظهر دموکراسی، می‌بیزند. می‌خوشی با بدبیا بهیچ وجه در هر جنبی، با یکدیگر و ویسی و پالیزیا و امثال آنها را بینند.

افرا نمود این فریاد شیت‌ها در شویت کودتای اخیر نظامیان در ترکیه، حکومت فاشیستی نظامی ضیاء الحق در پاکستان، و همه روایتگر آنست که لیبرالیسم دموکراسیون حق بجانب لیبرال‌ها است، اما که بصورت پیرومردان و دیندار و بی‌آزار و بی‌آزاران گارنتا می‌نماید جلوه میکنند، چه واقعیت و حقیقتی که نهفته است: امپریالیسم برای کشورها می‌نماید که در هر یک یک رژیم را کارا و شمرده می‌نماید و اندو آنهم رژیم دیکتاتور خونی نظامی است. یکی از دلایل شکست، میان بهختیا و ویسی اول همین است که ویسی لاقین برای دولت اول (۱۳) به یک حکومت خطی، است و زمینه را برای کارها و رکنده، به مقتصد است، تا بعد "سوسیال دموکراسی" (۱۳) نیست. البته اینهم یک جنگ زرگری بیش نیست. تا تباری همه قدا انقلابیون غذای "ممنوی" مناسی روی میزیا شد.

ولی اگر توطئه قدا انقلابی مومتمت باشد با مظهر سوسیال دموکراسی و حکومت پارلمانی و دموکراسی فرگسزکار نخواهد آمد. خود بهختیا رهم آنرا نشیونخواهد. لیبرال‌ها بهیچ وجه ما هم مانند دوران محمدرضا شاه، در مومتمت خود، سکوت نخواهند کرد و دنبال کسب و کار خود هندرفت. اگر خیلی داخوری باشد، روند در خارج و در آنجا یکی دو مقاله در براید محترم لیبرالی ما مانند "لوموند" خواهد نوشتند و تکیه بر سخا هند کرد و ویسی و سپس بدبیا کسب و کار خواهند رفت. و در اینجا ویسی جلاد، به شمت هزارگی محمد

یکم از واژه‌های که طری تاریخ بارها مورد استفاده قرار گرفته است، واژه "آزادی" است. این واژه مرکزی و محوری امپریالیسم، علیه سوسیالیسم است. تمام رساله‌های گروهی امپریالیستی (که عرضی و طوطی‌گویی فریب‌داری و اکثریت تحت نظارت می‌نویسند) هستند. در هر مومتمتی جهانی خود شمت "آزادی" سوده‌اند. یعنی آزادی برای یا وگویی‌های مختلف بغا طرف حفظ آزادی برای بهره‌کشی و آزادی استعمارگر لیبرالی‌های وطنی ما نیز بهیچ وجه این واژه پناه برده‌اند. آنها گویا علیه "استعمارگرایی" و "فمالاترزیسم آتومونی" و بغا طرف "آزادی مبارزه میکنند. در داخل کشور، یعنی دعوی میکنند و در راه‌های آریایی، که برای بهختیا و ویسی تبلیغ میکنند (نیز چنین می‌گویند. و اما قدا خطی باید تا نماند تا با بدبیا بی لالی‌ها ضد کوشی. فرادهدو نیات باطنی و پنهانی آنها، که چندان پنهان هم نیست، درگ کنند. اینکه آریا کتا در خارج و روج جمهوری اسلامی ایران هستند، نسبت به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی (که در قدا نون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده) آزادی ندارند. و مقتصد به حکومت آتومونی خود هستند، خود، مطلب دیگری است. ولی وجود او واقعیت، املا و بدبیا یعنی صحت و بیاد قدا دعوی لیبرال‌ها در تهران و سوسیال دموکراسی و بهختیا و گرا در خارج از ایران نیست. تجربه شیلی نشان داد که یکسی از حربه‌های امپریالیسم برای سبکباز انقلاب شیلی و سرنگون ساختن حکومت آتومونی، استفاده از حزب دموکرات مسیحی آتومنی فریادها و رجا ربا‌های اولی و علیه حکومت آتومینی بنام "آزادی" آریایی و نیربستانه و گروه‌های ما و رجا (کجا) سازشکاری و فرمت طلبی و عدم قدا طبیعت رژیم آتومینی در ترکیه علیه سرما بهیچ وجه می‌تواند باشد. از سوی دیگر، تجربه سرما بهیچ وجه یکسی از فرشی به مردم وعده میداد که با بدبیا از دیکتاتور می‌روم و کمیت‌ها "به رژیم سرما را بدبیا می‌بازمانی تا زکنت، ولی در پشت سرما این قیانه کوبه پیوسته قدا شیمت پنهان بود.

فرشی بنام "آزادی" مردم را بدبیا کشید و تحویل پیوسته داد و هنوز هم در خارج از شیلی آزادی می‌بیزند!

کال لیبرالی‌های خود ما همه نوع مومتمت و میرات (از دیندار ری گرفته تا ملی‌گرایان و از ادبخواهی) را در آن تیان خود دارند،

رخا کشته است، شمت هزار و صد هزار دیگر، هر چند که از آن باشد، اما فاش خواهد کرد. هر کس بنظر او از جزاین بهیچ وجه در پوربختیا و حقیقتی است.

از اجزای و گروه‌های سیاسی، که هر روز قریب یکی از این لیبرال‌ها را می‌خورند (متین دقتی، مراغه‌ای، نژیبه و سیاران کنونی و شمت‌دل‌های افشاء شده آنها) با بدبیا زهم اکنون بخود بندوبند شده میکنند.

ما با هر کس که محدودیت آزادی، که بهیچ خلاف حق قانون اساسی جمهوری اسلامی است، با بدبیا مخالفت می‌کنیم. ما مخالف آنیم که گویا با استبداد مستقیم و مقتصد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مآل در - کتاب منطقی آن ذکر شده و اگر مومتمت را مراعات شود، تشنجی پیش نمی‌آید.

ولی اعتراض به مقتضی قانون اساسی از سوی گمناهی و مبارزه برای اجراء آن (یعنی عملی که خود ما هم خمینی نیز در دست در هر چه جا که گام بر میداریم) جزو است، و افشاد و دروا لیبرال‌ها چیز دیگری لیبرال‌ها نه فقط - دا شمت به ندانستند.

پوشی برای قدا شیمت‌های آریایی و ر - هستند. بلکه خودشان را لاقین از جهت آریایی و ر - مومتمت، دست‌گمناهی آنها نماند. مثلاً آنها با رها کینه بهیچ وجه خود را نسبت به حزب ما اعلام داشته اند و طی ده‌ها سال، بهیچ وجه و خا خواهد بود و هر چه از راه‌ها و سایر - یا لیبرالی‌های آمریکایی و انگلیسی، حزب ما را "خا ش" به مدد مترقی کرده و ایسین تعبیر و تفسیر و فلگا را به دروا دروا خالی با مستخدمه داده‌اند. آنها پیش از آنکه پای مسا و در همه جا "معم" کنونی پس از انقلاب خود، بهیچ وجه استازا اعتبار و مومتمت قانون شده‌ای مصوب ارکانهای ناشیست پیروی می‌زدند. برای ما روشن است که این آقا بی لیبرالی‌ها تا چه اندازه آزادی - خواه هستند. نمونه‌های قدیمی آنها مانند دکتربقا و رسنومه‌های جدید آنها را مانند

تأمین کار برای کارگران
بیگار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

راندگان تاکسی خرم‌آباد: تعویض رنگ تاکسی درمان درد ما نیست!



ناصر: ما نمی‌پسندیم، نه بازنشستی و نه کار ثابت و درآمد مشخص

مشکل تاکسیرانی یکی از مسائل - عمده‌ای است که در شهر خرم‌آباد وجود دارد. این شهر، حدود ۵۰۰ تاکسی دارد، که با توجه به جمعیت شهر، قادر به تأمین نیاز زورتن و آمدن شهر نیست. بدلیل کمبود تاکسی و با توجه به - وجود تعداد زیادی در سطح شهر، حدود ۱۰۰ وسیله نقلیه دیگر هم وجود دارد، که با پلاک سفید به کار می‌فرستند. در میان آنها سوارهای بی‌کمی به رنگ تاکسی (آبی رنگ) درآمده‌اند، برای رانندگان تاکسی ایجاد مشکل می‌کند، زیرا مردم، بدون توجه به غیر مجاز بودن آنها، سوار این ماشین‌ها می‌شوند و اگر مسئله‌ای مانند گند شدن وسایل یا مسائل اخلاقی پیش بیاید، به حساب تاکسیران گذاشته می‌شود. در ارتباط با این مسئله مشکلات دیگر رانندگان تاکسی، با چندین زانان به گفتگو می‌نشینیم:

محمد می‌گوید:

"این تاکسی را ما می‌پسندیم. آجازه کرده‌ام، خرج تعمیر و خرید وسایل بدکی هم به عهده خودم است. با اینکه حدود ۱۰۰ سال است که راننده هستم، هنوز نتوانسته‌ام یک تاکسی بخرم، زیرا باره آمدی که من دارم و با این خرج زیاد، چیزی برای پس انداز کردن نمی‌ماند".

راجح می‌گوید:

"چون تعدادی سوار پلاک سفید به رنگ تاکسی در شهر ما فرستاده می‌کنند، آزاره را حتماً بی‌والتی در جاسی به رانندگان پیشنهاد می‌دهم. تاکسیران‌ها برای جدا شدن از این اتوموبیل‌ها داد عده زیادی با این پیشنهاد مخالفت کردند و عده‌ای هم موافقت با آن نداشتند. چطور شده‌ایم این مسئله مورد قبول واقع شد. قرار است که رنگ تاکسی‌ها به رنگ نارنجی درآید و ما اعلام شده است که تاکسی‌ها را رنگ بزنیم. ولی به نظر من تعویض رنگ تاکسی درمان درد ما نیست،

چرا که سال گذشته هم به خاطر همین مسئله سقف تاکسی‌ها را سفید کردیم، ولی مشکل حل نشد. تازه شما صاحب کنید، من با این خرج و درآمد محدودی که من می‌کنم، با مشکل حل نخواهد شد. ما باید با هم اتحاد داشته باشیم تا بتوانیم با یک مقدار کار بیشتر، مردم را راهی کنیم. آنها نیازی به استفاده از این سوارهای ما نداشته باشند".

یکی دیگر از رانندگان تاکسی می‌گوید:

"آقا کارگر نمی‌آید، بگذار آنها هم کار نکنند. ما که کار خودمان را داریم و نمی‌خواهیم با بخت قطع شدن دیگران بنشینیم. بهترین حالت این است که ما هر روز رنگ عوض کنیم به آنها هم پلاک فرستاده، تا هم حمل و نقل مسافران در شهر بهتر صورت گیرد و هم کار آنها غیر مجاز نباشد".

ناصر می‌گوید:

"حدود ۴ سال است که راننده تاکسی هستم و همیشه مسافرانی از قبیل ترافیک و کمبود وسیله سوارهای پلاک سفید وجود داشته. این مسائل روزگاری که مسئله اصلی ما، محصورماندن تاکسی‌ها در روزمزد هستند، این است که ما همیشه داریم، نه بازنشستی و نه کار ثابت و درآمد مشخص".

میرحسین می‌گوید:

"آیا تاکنون در جهت رفع این مشکلات قدمی برداشته‌اند؟ می‌گوید:

"سال گذشته چندین کرد هم می‌آید با دیگر رانندگان در انجمن و در آن گروه‌ها می‌آید. ما راجع به بیمه و سندیکا و توافقی و همین مشکل مسافرانی که شخصی نیستند، صحبت‌هایی کردیم و قطعاً ما هم ما را کردیم و با آزارات مربوطه هم تماس گرفتیم، ولی چون اتحاد نداشتیم، نتوانستیم کارها را تا آخر پیش ببریم و کارها نیمه‌تمام ماند".

یکی از وظایف مسئولین امور، تأمین بیمه و بازنشستی این سفید زحمتهایمان است، تا هر کدام از آنها بیمه‌ای بر سرشان و مبلغی صدیق به نفع انقلاب برسانند.

به مشکلات کارگران سیلوی تاگستان رسیدگی کنید

کارگاه سیلوی تاگستان در آکلیوس متری جاده تاگستان - هم‌اکنون قرارداد دارد. کارگاه متعلق به شرکت آردی، آب است که نسبی از سهام آن به شرکت‌های انگلیسی و سوسی دیگر به متعهدسان ایرانی تعلق دارد. این شرکت در زمان انقلاب تعطیل بود، ولی بعد از انقلاب مجدداً شروع به کار کرد.

کارگران شرکت سیلوسازی استو در شهرهای قم، اراک، شیراز و رشت نیز کارگاه دارد.

در کارگاه تاگستان تاگستان قریب ۱۸۰ نفر کار می‌کنند، که از این عدد تعداد بسیار و آرماتوربندی و در حدود ۵۰ نفر کارگر ساده هستند.

کارمندان و پرسنل این شرکت است که ابتدا نجات و آرماتوربندی‌ها را انجام می‌دهند و سپس توسط بناها با یکدیگر می‌نشینند. کارگاه تاگستان سندیکا و شرکای فقط از آرماتوربندی‌ها و بناها تعدادی عضو سندیکای قالب‌بندی و آرماتوربندی‌ها تهران هستند، چندی پیش در کارگاه

انتخابات صورت گرفت و کارگران محلی ۲ نفر را به نمایندگی از طرف خود تعیین کردند، اما عملاً این دو نفر کارگی صورت ندادند، یکی از نماینده‌ها هم کارگر رکنی است، در تمام موارد به سود منافع رکنی کارگاه عمل می‌کند.

از طرف شرکت برای کارگران شهر - ستانی خانه کرایه شده است و به کارگران بومی نیز حق مسکن پرداخت می‌شود. از مشکلات عمده مهم کارگاه، بوضع ایمنی آن است، که باید برای آن راه‌های جدی‌تری اندیشید. باید برای کارگران وسایل ایمنی از قبیل دستکش، عینک و کفش - ایمنی تهیه شود، به علت کمبود وسایل ایمنی در این کارگاه، تنها در طی یک هفته برای ۴ تن از کارگران در خانه داده شد. در یک مورد به نفع عموزانچه - دست‌منجر شد.

از دیگر مشکلات کارگران وضع بیمه آنهاست. تنها تعدادی از کارگران بیمه هستند و بقیه از مزایای بیمه برخوردار نیستند.

اخبار کارگری

شرکت صنایع کرمانشاهان را بحال خود رها نکنید

شرکت صنایع کج کرمانشاهان (پایه ام) در سال ۱۳۵۲ با سرمایه مدوشتاد میلیون ریال جهت تأسیس کارخانه کج کرمانشاهان شروع به کار کرد. همه ماشین‌آلات کارخانه از شرکت در آلمان فدرال خریداری شده است و برای خرید آنها مبلغ هنگفتی از بانک - اعتبارات صنعتی - خوددیکر از سهامداران شرکت است. وام گرفته شده است. کارخانه‌های کارخانه، به علت مواج شدن با انقلاب، تعطیل شد پس از پیروزی انقلاب در زمان دولت موقت، این شرکت ملی شد. در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ طرف بانک صنعت و معدن یک نفر به عنوان مدیریت شرکت به کار گرفته شد.

چون معادن کج قهرشیرین بسیار محدود بود، قرار شد کارخانه کج لوسان در نزدیکی بل دختر و کوهدشت - کارخانه کج احداث شود. شرکت برای این مقصد از زمین‌های زارعین را غصب کرده است. زارعین با راه‌های احقاق حقوق خود به مقامات مسئول از جمله دادگاه انقلاب مراجعه کرده‌اند، ولی تاکنون به کار آنها رسیدگی لازم نشده است. زارعین می‌گویند:

"با زمین‌ها را از ما بغیر دیوایا اینکه پول آنرا به ما برده‌اند، بگذار آنها که البته حرف آنها کاملاً منطقی است. مقامات مسئول باید در درجه اول در نکته زبیرا مورد توجه کارکنان قرار دهند: ۱- عملیات پاکسازی باید به طور وسیعی در شرکت انجام شود. ۲- تکلیف زمین‌های غصب شده زارعین بگردد شود.

در کارخانه رحیم‌زاده و شرکا اصفهان

کارگرانی که سرانجام می‌شوند، برای اسرار از سرکاری می‌توانستند در این کارخانه - استخدام شوند و در موفقی چون یکی دیگری استخدامشان نمی‌گردد، حق اعتراض به نداشتند.

امروز تعداد کارگران این کارخانه به بیش از ۹۰۰ نفر رسیده، که در این میان کارگران زیر ۱۸ سال تعداد قابل توجهی از این شمار را تشکیل می‌دهند. بعد از ۲۲ بهمن ۵۷، یکی از کتابی را که به حق کارگران روی آن انگشت گذاشته، مسئله‌اندن پارتنر آقای کتابی بود. دیگر کارگران و زانان سرسی آذین‌بندی وجود نداشت، که کتابی بتواند به کتاب اعتراض کارگران را خفه کند. این موضوع بار اول به صورت اثری شدید کارگران در سطح مجلس است. برای گردن مبدی تخلی است، که کتابی را مجبور کردند تا قلمی کارگران را ببرد.

مسئله مدیریت کتابی سرانجام مقرر است دولتی شدن کارخانه شد. کارگران که به حق خواستار دولتی شدن کارخانه بودند، در اوایل فروردین ۵۸ کتابی به خفه شوری از کارخانه کوتاه کردند. مدتی نیز کارخانه را شوری از کارخانه اداره می‌کردند، تا آنکه، به هفته پیش مدیر جدیدی برای کارخانه انتخاب شده است. در گزارش نماینده اول شورای کارگران آمده است که، مدیریت جدید منتخب از جانب آقای کتابی و استانداری اصفهان است. البته این موضوع باعث نگرانی کارگران است. یکی از آنها می‌گفت:

"فکر می‌کنم، کتابی دارد استراحت می‌کند، که دوباره بازگردد.

آنطور که کارگران معتقد بودند، مسئله‌الکتی کارخانه هنوز حل نشده است. آنچه خود کتابی می‌خواستند، این بود که در کارخانه‌های کار می‌کنند، روی کتابی و امتیازات آن است. از اقداماتی که بعد از انقلاب در کارخانه صورت گرفته است، باده کردن و مونتاز کردن ۱۴ عدد ماشین رنگ بوده است، که به جز ۹ عدد آن تمام بوسیله خود کارگران انجام گرفته است. باده کردن این ماشین‌ها بوند روزانه ۶۰۰ بجه (هر بجه ۲۰۰ کیلو) تخ ۲۰۰ بوند. کارخانه بفرماید، حق تولید روزانه کارخانه ۴۰۰۰ بجه تخ است. همچنین شری که از احتیاجات حتمی کارگران هستند، است، به دوستان حلاجی و آسان شماره ۲ هر روز داده می‌شود، که البته به صورت جاری است. تمام نامه‌ها داده شود. تا کارگران از خطر بیماری سل نجات یابند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی پر دوش زحمتمکشان سنگینی میکند

زحمتمکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

خواستهای حقه دهقانان کرد

روستاهای گردنشین ایران تعداد وسیعی از مجموع روستاهای کشورمان را سه تنها در استان کردستان تشکیل میدهند. در این روستاها جمعیت کثیری از روستائیان کردکار و زندگی میکنند. سالهای سال دهقانان کرد، گریز برستم و سیرمد کتی بزرگ مالکی رستم ملی فرار داشتند، در کنار سایر برادران روستایی خود در سرسراکتور، دست در دست هم، در بخشهای دهقانی ایران فسالانه شرکت نموده و در سرنگونی رژیم شاه سابق نقش خود را ایفا کرده اند.

ضمین تکلیف چاه آب را نیز تعیین کنند و در صورت امکان کمک های مالی برای اهالی تسهیلاتی در جهت واگذاری تراکتور در نظر گیرند.

روستای سرنجانه: این روستا در دوازده کیلومتری سنندج واقع است. چاه های گهروستار به راه اصلی کرمانشاه - سنندج وصل میکند، خراب است و پرده میگویند. برای مرمت آن به اداره راه راجعه مکر داریم، ولی تاکنون اقدامی نگرفته اند. مردم خواستار آمدن جهااد سازندگی به روستا هستند و تقاضای ایجاد یک گریه ای دارند. مسردم می گفتند:

روستای گاوئان: این روستا در محور سنندج - کامیاران، بعد از تونل دوم از طرف سنندج واقع شده است. در این ده مردم از نظر ازرای عمومی در مضیقه قرار دارند، زیرا به علت رفت و آمد بعضی افراد مسلح به اطراف آنجا، مدتی است در محاصره سیر میزنند و تقاضای رسیدن ازرای عمومی را دارند. در این ده یک معدن سنگ سیاه مرغوب برای ساختن ویل وجود دارد، که اغلب سنگ نسیای منطقه کردستان از آنجا تهیه میشود. قبلا این معدن متعلق به خویشین منطقه بود، ولی بعد از انقلاب تا کنون توسط گروهی از روستائیان، که در آنجا کار می کنند، اداره میشود. هنوز بطور درستی در جهت رفع عمومی از این معدن استفاده نشده است. مردم تقاضا دارند که دولت وضع ملی شدن این معدن را روشن کند و در جهت بهره برداری از آن بفتح مردم روستای گاوئان عمل نماید.

مسئله زمین یک مسئله اساسی و حاد در این مناطق است و بدون آبرین برین سینه سهره کنسی بزرگ مالکی و نظام سنی فتودالی، مسائل این نواحی حل دشنی نیست. دهقانان کرد در زمان رژیم شاه سابق از هیچگونه حقوق اجتماعی برخوردار نبودند، حق زمین، حق زندگی انسانی، حق استفاده از زبان و فرهنگ ملی، حق تکامل فرهنگ سنتی و ملی و تامین حقوق سیاسی، حق برخورداری از مواهب تمدن و حسی برخورداری مساوی از ثروت کشور در مورد آنان با اعمال می شد. زمینداران بزرگ و فئودالیهای مناطق کرد - نشین، که با رژیم وابسته فاسد شاه سابق ارتباط و پیوند داشتند، بخشی از اهرام اجرائی سیاست ضد دهقانی در آن زمان بودند. منافع طبقاتی آنان را شوه عمل و سیاست رژیم گذشته تا مین میگرد، بدین ترتیب دهقانان کرد، از سوسی باستم ملی و از سوسی دیگر باستم طبقاتی روبرو بودند. انقلاب شکوهمند ایران افق امید بخشی را به روی دهقانان زمینکن کرنگشود. اما دولت موقت "گام یکم" نخستین قدم را برای تثبیت مواضع بزرگ مالکان برون شد. ولی حرکت عدلهای مالیاتی و انقلابی نوده تسلیم سازشکاری و تثبیت سیاط استثمار و وابستگی شد، جنبشهای دهقانی رشد تازه ای یافت و مواضع دهقانان تهیدست در عرصه مبارزات طبقاتی در سطح روستاها پیش تثبیت شد. این مشارکت فعال در قانون واگذاری زمین به دهقانان و آنگاه نام اجرائی آن نمکنی شد. حوادث کردستان بویژه ضرورت حیاتی حل نوری مسائل دهقانی و در درجه اول مسئله زمین و

- ★ روستاهای گردنشین سالها مرصه ظلم و تجاوز به دهقانان و سرکوب خواستهای بحق آنان بوده است.
- ★ انقلاب باید بتواند نیازهای اقتصادی و فرهنگی و ملی زحمتکشان کرد باشد.
- ★ طرد بزرگ مالکان و فئودالها، ایجاد شرایط برای رشد و نمو اقتصاد و تکامل فرهنگ ملی روستائیان کرده و وظیفه میرم دولت است.



بچه های کلاخی گوسفند و گاو پشیر پرده اند

همچنین وضع همچب از همه محال تر است. همجیبی ها نه زمین برای کشت دارند (زیرا همه منطقه مخرهای و سنگلاخ است) و نه ماغ میوه دارند. درآمد همجیبی ها سابقاً از فروش محصولات دستی، از سیل قاشق چوبی، قاشق چوبی، دوک نیرسی، کلاخی (گوبه) که خودشان درست میگردند، تا مین می شد. همجیبی برای فروش اینطور چیزها فرسنگ ها راه را پاده طی میکرد، تا آنها را بکنند ملاحظه کند. حالا که راهشان نیست و امکان دارد همجیبی عوض کتدم گزله نمیشوند، آنرا هم ممکن نیست. بک همجیبی میگردد:

پس از انقلاب درگیری های بین مردم و خان در گرفت، گه سحر به نقل مکان خان گردید. حالا خان حاضر شده قسمتی از زمین را بر مردم بدهد، اما اهالی قبول نمیکند و تقاضای اعزام هیئت اصلاحات ارضی را دارند.

روستای ورگان: این روستا در دهستان گاو- رود از بخش کامیاران واقع است. مردم این ده از برای چاه های گهرونگان را به کنگلان وصل میکند، میکانند، این چاه گردنه با چوبی دارد، که احتیاج به اصلاح سیر و شن بیزی دارد. مردم ورگان اکثر فقیر هستند، در این ده دو نفر مردم زورسگوت و اهالی از دست آنها به ننگ آمده اند. خصوصاً که زورپوش حزب دمکرات قاسلو به عنوان مختلف از مردم اخاذ می کنند. ازرای عمومی کماب است و در مانگانه تا فاصله ۵۰ کیلومتری وجود ندارد.

روستای خرابآباد: نام دیگر این ده کنگلان عیالست. بزرگترین درد مردم این روستا سبی این است. مردم تعصبآب برای آبیاری ندارند، آب برای آتشامین هم ندارند. چشمه فقیری دارند که گاهی خشک میشود و مردم مجبور میشوند از کوهآب بیاورند. مردم بارها برای حفراه نیمه معیق به کشاورزی مراجعه کرده اند، اما تاکنون نتیجه ای نگرفته اند. از وسایل قدیمی و شیوه های کهنه کشاورزی در این ده هنوز استفاده میشود.

مردم خرابآباد هنوز از شیوه های کهن کشاورزی استفاده میکنند.

روستای فخته: این روستا در حومه سنندج واقع است و مردم آن معزبان اوزانی صحت میکنند. مردم روستا به صاحب المبورری دارد. چند سال است که مردم برای احداث یک چاه فرعی به مقامات دولتی مراجعه میکنند و نتیجه ای نگیرند، بارها اتفاق افتاده که مریخی آنها در زمستان بین راه تلف شده و میوه ها شان در تابستان بخاطر نبودن وسیله برای حمل به شهر، فروش نمبرود.

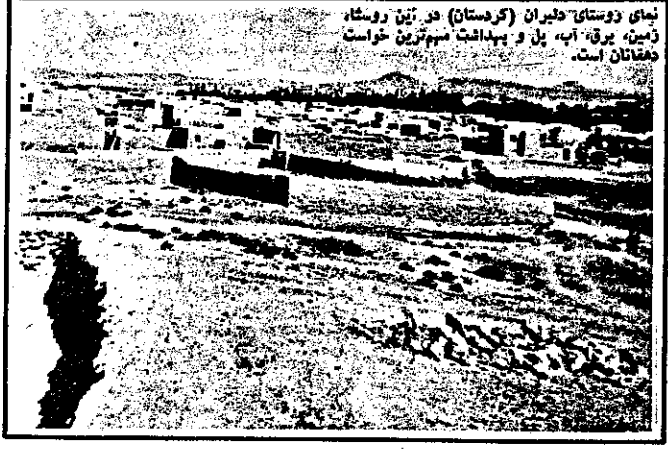
روستای دلآباد: این روستا در اطراف حین- آباد دیواندره واقع است و زمین ها در آنجا هنوز بیل تکلیف مانده است. مردم از نبودن ازرای عمومی و خرابی ساختمان شکایت دارند. مدرسه را کمبود های دیگر روستاست.

وضع عمومی محصول وضع عمومی محصولات کشاورزی در مناطق کردستان آسالم تعریفی ندارد، رسرا به علت نبودن امنیت و دلخوش نبودن مردم، کشت کم شده و در زمین سال بی بی هم هست و وقت محصول هم سوخت برای ماشین آلات کشاورزی کماب بود. در منطقه کاروود محصول کتدم بسیار باقی است. در منطقه طوات آباد، که اغلب باغات آکور دارند، به علت نرسیدن سوم دفع آفات نباتی، باغها را آفات از بین برده است. در منطقه ژاروود هم، که اکثر آبادان شان از فروش میوه مین می شود، میوه را با خوب نیست و علاوه بر حمل و نقل آن راهشان نیست. در منطقه لایخ که شامل روستاهای زیادی از جمله کلبان- آباد، قادر مرز، کاظم آباد، نسی آباد، فکلم و سیر- علی است، وضع محصول رفت باراست. کتدم ها اغلب به علت کم آبی و عدم رتده های سرسند.

در باره کردستان تعداد سراسر اشکات و با اختیار بود بخودشان قیادت کرد، بلکه بر اساس واقعات موجود بیاساله کردستان راحل نمود. حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، با نکه بر پیام تاریخی امام خمینی، ستم ملی را از دوش مردم این دیار بردارید! با برقراری صلح در کردستان، به مردم امکان شگفتای ورشد دهید! با اجرای سریع و بیگسر قانون اصلاحات ارضی بسوده دهقانان تهیدست، رتبه فساد و ستم بزرگ مالکی را برکنید و انقلاب را مستحکم و شکوفا سازید!



مردم خرابآباد هنوز از شیوه های کهن کشاورزی استفاده می کنند



نمای روستای دلبران (کردستان) در تین روستاهای زمین، برقی، آبی، یل و بهداشت مهم ترین خواست دهقانان است.

روستای خلیفه پاپو: این روستا در کنار رودخانه کاروود واقع است. در این ده فئودالی سالها خون مردم ده را در شیشه کرده و تمام زمین های حاصلخیز منطقه خلیفه پاپو و نمرت آباد و با سحر متعلق به اوست. چندی پیش با ساداران ستر کلبایی در منزل برادر خان یک اسلحه خانه کشف کردند و اکنون این دو نفر گریخته اند. فتودال این ده مینم یکی سوئال پیش فطعات زیادی زمین از کشاورزان غصب کرده است. مردم ده خواستار اعزام هیئت هفت نفره و انجام اصلاحات ارضی هستند.

روستای پوهفقار: این روستا در بخش کامیاران و در نزدیکی روستای بزرگ خامسان واقع است. در این ده محصول کتدم آسالم نسبتاً خوب است، اما مقداری باغ میوه دارند، که بهر اثر نرسیدن سوم دفع آفات نباتی، آفت زده است. سالهای قبل از طرف کشاورزی دفع آفات می آمد، اما سالها به علت نبودن امنیت نمی آید. در این ده بزرگ مالک نیست و مردم زمین های موات را می توانند بزرگت بیاورند، چون بیل اینکار را ندارند. محام در مانگانه از نیازهای آسیری روستاست.

روستای امیرآباد: این روستا در بخش کامیاران دهستان کاروود واقع است و تلالا در حرکت سهایی زرایی مکنیم قام بود. در موه تشکیل شرکت سهایی، زمین های فتودال بزرگ حصم ذولفقاری را دست نخورده باقی گذاشتند، اکنون پس از تقسیم زمینهای شرکت سهایی، برادر او میخواهد زمین های خالصه را با تقسیم کردن بین خانواده های برای خود حفظ کند. البته مردم امیرآباد با موخالفت کرده اند و خواستار اعزام هیئت هفت نفره به روستا هستند. همچنین در نزدیکی امیرآباد، در ده جوش، بسیار نباتی وجود دارد، که فائده دکتراست. مردم خواستار اعزام دکتربه این بیمارستان هستند.

روستای محمودگزگ: این روستا در حوالی رودخانه کاروود واقع است. پیش از نصف زمین های زیر کشت، یعنی تمامی زمین های آبی آن زمین به بزرگ مالک است. یعنی هر زمینی که جوی آبی و چسلاخی در آن جاری است، مال این خان است و چسلاخی و میوه های مال سبه اهالی است، که آنرا خون دل میگرد.

خرید کردن، پاکه ضد انقلاب را طرح ساخت. علاوه روستاهای گردنشین اغلب از امکانات مادی و معنوی بی بهره اند، از آموزش و بهداشت کمتر خبری هست، در عین آزار و شکنجه دهقانان بخوان عادت بورانه بزرگ مالکان روستایی و محرومیت و بعنوان "روال عادی" زندگی زمینکنان هنوز ادامه دارد و آسمن ظاهر باروح و هدف انقلاب است. دهقانان کرد خواهان برچیدن سیاط دستگناه ظلم و ستم و بیگاری و استثمار بزرگ مالکان آسمن پاکه ضد انقلاب هار و سلب هستند. آسمن یک خواست طبیعی و بحق، انقلابی و انسانی است باید به آن عمیق توجه کرد. آنچه در صفحه می خوانید، نمونه های مشخصی است از وضع نابسامان روستاهای گردنشین.

روستای کینگلان: این روستا در بخش کامیاران از توابع شهرستان سنندج و در دهستان گاو- رود قرار دارد. این روستا در محدوده شرکت سهایی زرایی مکنیم قام (فرع سابق) قرار دارد، که پس از انقلاب منحل شد. مردم این روستا با مشکل نداشتن وسایل کار درین کشاورزی روبرو هستند، زیرا فقسلا ماشین آلات دولتی متعلق به شرکت کارها را انجام میداد و مردم هم بان علت همه گاهای خود را فروخته بودند.

بعد از انحلال شرکت، اکثر اهالی به علت فقر نتوانستند تراکتور یا کامیون بخرند. به علاوه تمامی ماشین آلات کشاورزی شرکت سهایی زرایی، کسه می توانست مورد استفاده مردم واقع گردد، توسط گروه های سلع ب سرت رفت. اکنون اهالی وسیله کشت و کار ندارند. بعضی ها دارو ندار خود را فروخته اند که گاه میگردند. بعضی ها هم گرایه تراکتور میدهند که برایشان کشت کند. آسالم محصول کشاورزی این ده بسیار ناچیز است. مردم میگویند: "اگر دولت بیاگد تکنه، با این گندمهایی که داریم نصف نان خودمان را نمیده". در زمین چاه سبه معینی که در زمان شرکت سهایی حفر شده و می تواند مورد استفاده برای آبیاری بخشی از زمینها قرار گیرد، به علت اختلاف موجود بین اهالی بلا استفاده مانده است. مردم تقاضا دارند که وزارت کشاورزی نماینده های به محل اعزام دارد و اموال غارت شده شرکت را ضرورت برداری نماید. در

اعلامیه کمیته مرکزی فرهنگدمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان درباره پاکسازی در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی

یکی از عمده ترین وظایف انقلاب شکوهمند خلقی ایران تصفیه عناصر وابسته به امپریالیسم فاشیستی و ساراکشیای مزدور است، که میبایست در همان روزهای اول انقلاب با اصول صحیح و منطقی انجام میپذیرفت. متأسفانه با کجاندیشی و سازشکاری دولت موقت و پنهانگری و با کجاندیشی و سازشکاری دولت موقت و پنهانگری و با کجاندیشی و سازشکاری دولت موقت و پنهانگری...

«بهر چه کاندیداتوری حزب توده ایران مورد پاکسازی قرار داده اند، اگر جوی را که این پاکسازی حیوانه و در مواردی مفرطانه می توانستیم بازداشتن مدارس بوجود آورد، در نظر آوریم در صورتی می توانیم آباد خطرناک آن را برای انقلاب بشماریم. این پاکسازی، با این کیفیت، در منطقه ای از شدت و حدت بیشتری برخوردار است، که می تواند به یکی از گوناگونی ترین در ایران تبدیل گردد. منطقه ای که در آن به اصلاح حزب خلق مسلمان، مترصد حادثه آفرینی است و آمریکا در همسایگی با این خطه به کودتای خود در ترکیه دست زده است، تا حلقه محاصره علیه انقلاب ایران را تنگتر نماید.

مگر حتمتاً در این راه بی مقامات مسئول، از جمله امام جمعه تبران جهت اصلاح خفته ای که در مورد بازداشتن مدارس کافی نیست که ایجاد وسیع توپله دشمنان را روشن سازد. اخراج آموزگاران و دبیران فقط و فقط بخاطر غیراسلامی بودن، یا انتباهات و آرزوهای دیگر، آیا به ایجاد تشنج و درگیری و تفرقه و بدبینی بین نیروها کمک نمی کند، که خواست دیرین ضدانقلاب است؟ برای تصفیه ادارات فقط یک معیار واقعی وجود دارد، آنهم وفاداری به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

اخراج معلمین وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از آموزش و پرورش بعنوان «توده ای» یا «دینی» مورد اعتراض شدید همه نیروهای ترقیخواه و انقلاب است.

کمیته مرکزی فرهنگدمکرات آذربایجان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان با احساس مسئولیت انقلابی، ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال نادرست تمام اعضاء و هواداران خود را فراموش نموده، در آستانه بازداشتن مدارس با هوشیاری هرچه بیشتر در آستانه تزلزل و سستی های ضدانقلاب بکوشد و اجازه ندهد که ضدانقلاب با استفاده از یکسری ضمیمات شتابان و نامشخصه به نیتات خود خرابی آید. کمیته مرکزی فرهنگدمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان ۵۹۸۲۳۵

از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این پاکسازی در شرایط انجام می پذیرد که امپریالیسم آمریکا، رهبری کاری چنانکار، طبق اقرار خود در صومالیستونی رژیم جمهوری اسلامی ایران است و تا انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا می خواهد قصد شوم خود را بپوشد. امریه بکلادور، یکی از حلقه های این توطئه، ایجاد تشنج و پهناتوب کشیدن مدارس است، که بهترین شرایط را برای بهره برداری ضدانقلاب از این جو آتوب را مهیا می کند. لذا ضدانقلاب بستم عناصر مرفی و لامرفی خود درصدد است که با بازداشتن مدارس، جو تشنجی لازمه برای مقصد خود را بوجود آورد.

کیفیت پاکسازی در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی طوریست که ناآگاهانه و نامحوش می تواند در جهت هدفهای فوق الذکر امپریالیسم آمریکا عمل نماید، زیرا:

اولاً علاوه بر پاکسازی عناصر ضدانقلاب، که گویاست درخور انقلاب، عناصر دیگری هم پاکسازی شده اند که محور و معیار پاکسازی آنها، به اساسا ضمیمت آنها با انقلاب، بلکه بملت داشتن عقاید غیراسلامی است. و این نقیصت صحیح قانون اساسی است، که تقاضای تثبیت در آن مستحکم است.

ثانیاً این پاکسازی در مواردی جنبه انتقامجویی بخود گرفته و برخی از افرادی که بازتفتیب نیز شده اند، صرفاً بخاطر «دین» بالا یا

کشایش پارلمان جهانی ملتها در راه صلح در بلغارستان

پارلمان جهانی ملتها در راه صلح، در صوفیه پایتخت بلغارستان با شرکت نمایندگان بیش از صد کشور جهان تشکیل شد. وظیفه این اجلاس، افزایش تلاش برای صلح ملتها در راه صلح و گسترش روشی چانه زنی، رئیس شورای جهانی صلح، در ارتباط با اجلاس صوفیه گفت:

«اجلاس صوفیه، یکی از اقدامات مهم می سال اخیر در راه صلح است. وی افزود: نمایندگان اجلاس سیاسی ترقیخواه، گروههای مذهبی جنبش جهانی صلح، جوانان و اهلکارهای کافرگری، در اجلاس شرکت دارند. پریشانیان پارلمان جهانی صلح و اهلکارهای صلح است.

روشن چانه زنی، تأکید کرد: «توقف ساختن مهابته نسلخاتی و از میان بردن خطر جنگ، شرکت کنندگان در صوفیه راه، که دارای عقاید مختلفی هستند، گرد یکدیگر جمع کرده است. زیرا امپریالیستهای کلاش دارند دوره جدید مهابته نسلخاتی را آغاز کنند و دو اتمام خطرناک محال امپریالیست، یعنی استعمار و موشکباری جدید در اروپای غربی و استراتژی جنگ هسته ای محدود، که از طرف کافر اعلام شده، پیش از پیش اوضاع جهانی را متشنج ساخته است.»

روشن چانه زنی، به کارائی هستیگی بین المللی با مبارزه خلقها و بویژه هستیگی با مبارزه مردم ویتنام و آنکولا در گذشته، اشاره کرد و گفت: «فاکتور هفتصد میلیون از مردم جهان، پیام شورای جهانی صلح را در خلعصلاح افضله کرده اند.»

رهبر افغانستان باردیگر آمادگی خود را برای مذاکره با همسایگان اعلام کرد

بیرک کارمل رهبر افغانستان، در نطقی که از رادیو کابل پخش شد، باردیگر آمادگی این کشور را برای صلح و فصل مسائل با همسایگان افغانستان از طریق مذاکرات صلح اعلام کرد. رهبر افغانستان، تأکید کرد که حاضر است با همسایگان افغانستان درباره همه مسائلی که بیامون افغانستان بوجود آمده است، از جمله خروج محدود نیروهای اتحاد شوروی باز کشود، گفتگو کند. کارمل گفت که بعضی آنکه تجاوز خارجی علیه افغانستان قطع شود، نیروهای محدود اتحاد شوروی از افغانستان خارج خواهند شد. از طرفی روزنامه هندی «پانتو» اعلام کرد که سازمان جاسوسی سیاه استفاده از باصلاح بازگاران و روزنامه نگاران را برای خرابکاری علیه انقلاب افغانستان، افزایش داده است.

فارتوت می نویسد: «در ماههای اخیر گروههای زیادی بعنوان روزنامه نگار و «بازگاران» با افغانستان وارد شده اند. این عده مأموریت داشته اند که بفتح سازمان سیاه جاسوسی و خرابکاری کنند» نوشته این روزنامه، این گروهها یکی از منابع پخش اراپین درباره افغانستان هستند. حتی روزنامه هرا در لیبیون نوشته است که بی سروقت ترین و بی اثرترین گزارشهای مربوط به افغانستان، داستان های است که از قول این منابع پخش میشود.

مذاکرات لئونیوید بر ژنف، رهبر اتحاد شوروی با وزیر نیروهای مسلح کوبا

لئونیوید، روزنامه رهبر اتحاد شوروی، با راوشول کاسترو، رئیس نیروهای مسلح کوبا، در مسکو درباره مسائل مختلف جهانی، مذاکراتی انجام داد. در این مذاکرات، روابط دو کشور نیز مورد بررسی قرار گرفت.



یکباری وحشتناک در کشورهای بازار مشترک

یکباری در کشورهای رشیدانه سرمایه داری همچنان دو سه افزایش است. بویژه آخرین آماد کسبیبون بازار مشترک، شمار یکباران در کشورهای عضو این بازار به شش میلیون و هشتصد هزار تن رسیده است، که یک حدسب جدید محسوب میشود. از سوی دیگر زحمتکشان بازار مشترک، علاوه بر یکباری با بازی نوزم نیز دوربو شده اند.

روزنامه ارگان حزب متعدد کارگری لیستیان نوشت: وحدت مابالاتر از هر چیز دیگر، بمعنای وحدت ایدئولوژیک است

روزنامه تریبونالودو ارگان مرکزی حزب متحد کارگری لیستیان، در سیمانه خود تأکید می کند که در مقابله با مسائل کنونی و فائق آمدن بر فتنه فسط در کرب حزبی، لازم است، حزب متحد کارگری راه که همسکن کننده اصول اساسی لیستی یک حزب کمونیست است، بچساب آورد.

این روزنامه می نویسد: «وحدت ما بالاتر از هر چیز دیگر، یعنی وحدت ایدئولوژیک است. و این بیان معنی است که در صفوف حزب باید درباره اصول عمده ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم اتفاق نظر وجود داشته باشد. این امر همچنین درباره نطق درست جوهر میبیرستی و سوسیالیزم در ارتباط با آنکتاب با آرمان سوسیالیستی صادق می کند.»

تریبونالودو می افزاید: «میرزوه و مشکلات، افراد را در محک آزمایش قرار داد و دقیقاً در این شرایط است که باید وفاداری حزبی را به بعضی نمایش گذاشت. بسیاری از اعضاء حزب دقیقاً امروزه چنین رفتاری دارند و درباره کسانی که نتوانسته اند از بویژه آزمایش رویدادهای اخیر سربلند بیرون آید، پایای منتظیان اوضاع چلو برود، گمانیکه بقی مسائل اصولی موضوعی فرحزری گرفته اند، باید گفت این عده به حزب نفوذ ندارند. عضویت در حزب متعهد کارگری لیستیان نیزمتمد تعریف و تشریح روشن از منی سیاسی و ایدئولوژیک است. در این مورد اسامنامه حزب بسیار روشن است. آنچه که مطرح است این است که، موازین حزبی باید بوسیله همه و در همه اوقات و بوسیله هر عضو حزب، بدون توجه به موقعیت، اجرا شود. در حال حاضر این مسئله در دستور روز قرار دارد که صفوف حزب از افرادی که علاوه خود را از دست داده اند، و به وسوسه یک تاندمی آسان کشیده شده اند، و یا در گرداب فساد دست و پا فری زنده پاک شود.

برطالی انتهای دشمنان ماه چنین افرادی در صفوف حزب مسا انگشتنماید. اما با این همه، آنها می توانند انتضه شریف و اصولی حزب متحد کارگری را بپندار کنند. حزب باید خود را از شر افرادی که نام نیک آرا آورده می کنند و اطمینان به حزب راضیانه دار می سازند، رها کند. تصفیه این افراد باید بر طبق عقاید حزب صورت بگیرد. لازم است با هر نوع کلاش برای پندار کردن افراد صدیق حزبی و دوش مبارزه شود و در همان حال ناقصه با افراد خفاکار مقابله بعمل آید و هیچگونه امتیاز به این قبیل افراد داده نشود»

این خبر را بخوانید! به قسمت شوخی اش بخندید به قسمت جدی اش بیاندیشید

خبری در جراید فرانسوی، بویژه مطبوعات جنجالی آنها درج شده که بعضی زیرگرای آن خنده دار می نماید، ولی دارای قسمت جدی و قابل توجیبی نیز هست.

خبر عبارتست از تشکیل جلسه مسران عالی رتبه: مخالفان رژیم جمهوری اسلامی ایران در پاریس، مرکب از ارفشیر ژاوهی، هوشنگ لاهوتی، ارفشید اویسی، شلور بختیار، ژوبه و پنی احمد و داروین آهه: اش هفتین جوسی از هرچه ضد خلقی و ضد ایرانی است، شله قلمکاری از هرچه ضد انقلابی و سرسوره آمریکاست.

ولی آقایان، طی چهار روزی که در پایتخت فرانسه، در اتاقی مختلف یک خانه گرد آمده، ترانستانتی نام حتی در یک جلسه ملاقات کنند و یادو از این اتفاق به آن اتفاق متن «صحیبات» و طرحه را می بردند و می آوردند و به تصویب مسران عالی رتبه می رسانند. خنده دارش، تصور همین ویلای مجلل واقع در محله ۱۶ پاریس و بجنای باروسه و کلاگزار و محلل و قیافه های بطاهر جدید و هالیست که در باره چگونگی به سلطنت رساندن رضای دوم (۱) با قول جسر اید فرانسوی، رفا سیروس، توی سر و کله یکدیگر میزنند. گویا چهار طرف بالاخره موافقت فرمودند که سلطنت سنتی شود و رضای میرنده هم شاه باشد! مانده بود چگونگی انجام این عمل و باصلاح جاودانی عیبه پستین زنگنه یکریکن گریه، که تا آخر هم توافق نشده، بالاخره چه وقت رژیم جمهوری اسلامی ایران سرنگون شود. قبل از تاریخ فلان یا بعد از تاریخ فلان!

اما قسمت جدی خبر دوستانه، و هر دو قابل توجه، اولاً آنکه توطئه ضد انقلابی و هزیمان کردن و تطبیق تلاشیای فراریان ضد انقلابی از بختیاره با سوسیال دمکراسی آمریکایی و قیافه بختیاره، می نماید، ثانیاً، از اویسی با چلاوشی مشهور و سرسردگی خونخوارانه اش نسبت به آمریکا، دویای ضد انقلاب در خارج، که ما پارها از آن سحبت کرده ایم، و یکی از درایوی ایران، و دیگری از صدای آزاد ایران، که ظنن شوم خود را بر مینا در فضای مبین ما میکشتراند، اینک میکوشند با تانرب و توارن (۱) بر همان واحد سیاست آمریکا به حرکت درآیند.

پس بر ماست که با هتیارای دائمی نسبت به خلق جدی توطئه های شیطان بزرگ، کاری کنیم که هرگز این طوفان عیبه فسطی و شمشک و هروسک های خیمه سبازی نتوانند عیبه فسطی بکنند. لایقا بجزه مزبور، ماه پیش، از سفینه تا جمعه، یعنی بمدت چهار روز، در جلسه ۱۶ پاریس، و به تصریح مطبوعات، در زیر حمایت و پوشش مخالفین لیست فرانسه تشکیل شد (ملازمه بر «پای کار» (۱) یا محافظین شخصی مزدور). این یک مسئله جدی است و در پیوند با آن، سئوالات زیر مطرح میشود:

۱- وزارتخانه آقای فلتزاده آیا به این خبر توجه کرده است؟

۲- آیا همه تلقی میکنند که جلسه مسران عالی رتبه مخالفان، دولت ایران در زیر حمایت و پوشش پلیس فرانسه تشکیل شود یا نه؟

۳- آیا لازم شوره است یا نه، که بدولت فرانسه اعتراض کنیم که پلیس خود را محافظ جلسه چهار روزه ضد انقلابیون ایرانی (۱) قرار داده است؟

۴- آیا این است که این عناصر، که ملنا و رسا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و استقرار سلطنت (۱) را هدف خود اعلام کرده اند، علیه دولتی که با دولت فرانسه رابطه مادی دارد، رسا و ملنا توطئه میکنند؟

۵- اگر بدولت فرانسه انتقاصی ندانن، میتواند برهم ایران تروسیع دهد که، چرا دولت فرانسه و حمایت او از ضد انقلابیون را مادی شیماری؟

۶- بالاخره چرا دودرد استرداد این چنانکاران و ضد انقلابی های فراری، که در سرزمین فرانسه پنهانده می آزاره میشوند، بلکه سره مداران توطئه های براندازی خوین هستند، اقدامی نکرده است؟

نماه روز
انگلیس مرکزی غرب تور ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸۵
(دفتر نامه مردم)
هتوز در اختیار
نامه مردم نیست

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است
دوستاندگان در جشن هروسوی ملیر شش ماهه ۱۳۰۸۷۰ ریال
ملاقاتندان می توانند کمک مالی بخوروا بچساب بانکی به
مانتقی گریه بشاره شماره ۳۳۳۳
شعبه ۱۶۸ بانک ملی ایران
(شعبه شاه اسماعیل صفوی)
خیابان شهید دکتر حسین قلمی بپردازند.

NAMEH MARDOM
No. 340
24 September 1980
Prices
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 20 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.